



بررسی روابط ساختاری خودشناسی انسجمی، خودمهارگری و نیازهای بنیادین روان‌شناختی با نگرش شغلی معلمان ابتدایی

هادیه رسولی‌زاده^۱، رضا معصومی‌نژاد^۲، محسن عباسی^۳، امین شیخکانلوی‌میلان^۴ و خاور قره‌دینگه^۵*

Investigating the Structural Relationships between Cohesive Self-Knowledge, Self-Control, and Basic Psychological Needs with Elementary Teachers' Job Attitudes Hadieh Rasoulizadeh¹, Reza Masouminejad^{2*}, Mohsen Abbasi³, Amin Sheikhkhanlumilan⁴ and Khavar Garehdingeh⁵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵

Abstract

The aim of this study was to examine the structural relationships between cohesive self-knowledge, self-control and basic psychological needs with the job attitudes of primary school teachers. The statistical population included all primary school teachers in Khoy city in the academic year 1399-1400 from among whom 302 people were selected as a sample via relative stratified random sampling method using Monte Carlo simulation method. For data collection, questionnaires of cohesive self-knowledge of Ghorbani et al. (2008), Tangni and Baumistro Boone self-control questionnaire (2004), questionnaire of basic psychological needs of Guardia, et al. (2000) and job attitude questionnaire developed by Yazdanpanah (2014) were used. The face validity of the questionnaires was confirmed by some academic experts and the internal reliability was obtained through Cronbach's alpha coefficient which turned out to be 0.84, 0.78, 0.80 and 0.79. respectively. Kolmogorov-Smirnov test was used to test the normality of the data and due to the abnormality of the data distribution, structural equation analysis via Smart PLS software was used to test the hypotheses. The results of data analysis showed that cohesive self-knowledge, self-control and basic psychological needs have a positive and significant relationship with the job attitude of elementary teachers. The results show that by providing conditions for improving teacher skills in individual dimensions, we can facilitate the quality of teaching process.

Keywords Cohesive self-knowledge, self-control, basic psychological needs, teachers' job attitude

چکیده

هدف تحقیق حاضر تعیین روابط ساختاری خودشناسی انسجمی، خودمهارگری و نیازهای بنیادین روان‌شناختی با نگرش شغلی معلمان ابتدایی بود. جامعه آماری شامل کلیه معلمان دوره ابتدایی شهرستان خوی در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بود که با استفاده از روش شیبه‌سازی مونت کارلو ۳۰۲ نفر به‌عنوان نمونه از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبی انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های خودشناسی انسجمی قربانی و همکاران (۲۰۰۸)، خودمهارگری تانگنی و باومایستروبوون (۲۰۰۴)، نیازهای اساسی روان‌شناختی گاردیا، دسی و رایان (۲۰۰۰) و نگرش شغلی یزدان‌پناه (۱۳۹۳) استفاده شد. روایی صوری پرسشنامه‌ها توسط متخصصان دانشگاهی تأیید و پایایی درونی از طریق ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب، ۰/۸۴، ۰/۷۸، ۰/۸۰ و ۰/۷۹ به‌دست آمد. برای تعیین وضعیت نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگوروف اسمیرنوف استفاده شد و با توجه به غیرنرمال بودن توزیع داده‌ها، از تحلیل معادلات ساختاری با نرم‌افزار Smart PLS برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شد. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که خودشناسی انسجمی، خودمهارگری و نیازهای بنیادین روان‌شناختی با نگرش شغلی معلمان ابتدایی، روابط مثبت و معناداری دارد. نتایج نشان می‌دهد که با فراهم‌کردن شرایط برای ارتقای مهارت‌های معلمی در ابعاد فردی، زمینه تسهیل و تسریع فرایند تدریس باکیفیت، فراهم می‌شود.

واژه‌های کلیدی: خودشناسی انسجمی، خودمهارگری،

نیازهای بنیادین روان‌شناختی، نگرش شغلی معلمان

1. MA in educational psychology, Islamic Azad University, Khoy, Iran
2. PhD in curriculum development, lecturer at Farhangian University, Khoy, Iran
3. MA in educational psychology, Islamic Azad University Khoy, Iran
4. PhD candidate in curriculum development, lecturer at Farhangian University, Khoy, Iran
5. PhD candidate in educational psychology, lecturer at Farhangian University, Khoy, Iran

۱. کارشناس ارشد، رشته روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد، خوی، ایران
۲. دکتری مطالعات برنامه درسی، مدرس مدعو دانشگاه فرهنگیان، خوی، ایران
۳. کارشناس ارشد، رشته روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد، خوی، ایران
۴. دانشجوی دکتری، رشته مطالعات برنامه درسی، مدرس مدعو دانشگاه فرهنگیان، خوی، ایران
۵. دانشجوی دکتری، رشته روان‌شناسی تربیتی، مربی، دانشگاه آزاد، خوی، ایران

مقدمه

نگرش بر رفتار، گرایش، موضع و جهت‌گیری تاثیر می‌گذارد و در توجه به پدیده‌ها یا اشخاص، خود را نشان می‌دهد (سیواکومار^۱، ۲۰۱۹). نگرش‌ها در حوزه‌های مختلف بیانگر واکنش افراد هستند. نگرش‌های شغلی، احساسات یک فرد نسبت به شغلش هستند که تأثیرات قابل توجهی در محیط کاری دارد (کیم، ایم و هوانگ^۲، ۲۰۱۵). نگرش نسبت به حرفه معلمی، به‌عنوان محور کلیدی در تدریس عمل می‌کند (علی و ایقبال^۳، ۲۰۲۰: ۲۱). نگرش نسبت به حرفه معلمی، از دیدگاه معلمان درباره حرفه معلمی و این که در زمان انتخاب این حرفه، چه احساسی درباره عملکرد خود دارند، نشأت می‌گیرد (گل‌پرور و رفیع‌زاده، ۱۳۸۸). کشف رابطه بین حرفه‌ای‌بودن شغلی معلمان و نگرش آن‌ها نسبت به این حرفه، در تدوین مقررات مربوط به حرفه معلمی برای سیاست‌گذاران مفید است (کورکماز و یونسال^۴، ۲۰۲۰: ۵). کوسر^۵ (۲۰۱۵) برای درک بهتر این رفتار، بررسی عوامل نهادی و شخصی که رفتار حرفه‌ای معلمان را تعیین می‌کنند، مفید خواهد بود. نگرش شغلی معلم در قلمرو مدرسه بر این که دانش‌آموزان چه چیزی، چگونه و چه مقدار یاد می‌گیرند، تأثیر اساسی دارد. نگرش شغلی معلمان، ناظر بر بخش مهمی از زندگی عاطفی و احساسی آن‌ها است. در طی سال‌ها، بسیاری از مطالعات بر رابطه مستقیم میان نگرش‌های مثبت معلمان نسبت به حرفه تدریس و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان تأکید کرده‌اند (کریمی، ۱۳۸۷). در تحقیق حاضر، سه متغیر خودشناسی انسجامی^۶، خودمهارگری و نیازهای بنیادین روان‌شناختی، در ارتباط با نگرش شغلی معلمان مورد بررسی قرار گرفته است.

خودشناسی انسجامی به‌عنوان یکی از پیامدهای سلامت روان (قربانی، واتسون، فیاض و چن، ۲۰۱۵)، یکی از ظرفیت‌های بنیادینی است که در قالب یک ساختار شخصیتی، فرآیندهای خودتنظیم‌گرایانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (ولیکانی و گودرزی، ۲۰۱۷). خودشناسی انسجامی به معلمان این امکان را می‌دهد که به واسطه درک توانمندی‌های خود، افکار و احساسات را سازمان دهند و مناسب‌ترین فعالیت‌ها را برای رسیدن به نتایج مطلوب شناسایی و انتخاب کنند (قربانی و همکاران، ۲۰۰۸). خودشناسی انسجامی بنابر پژوهش‌های انجام‌شده در تبیین عملکرد معلمان، نقشی بسزا دارد. به‌عنوان مثال، خودشناسی در پیش‌بینی عملکرد شغلی تدریس دارای روایی افزایشی است و توان تبیین عملکرد شغلی تدریس را دارد (بوند^۷ و همکاران، ۲۰۱۱)؛ لذا وجود خودشناسی انسجامی در بین معلمان می‌تواند در انجام عملکرد تدریس و بهبود فرآیندهای آموزشی

1. Sivakumar
2. Kim, Im & Hwang
3. Ali & Eqbal
4. Korkmaz & Unsal
5. Kosar
6. integrative self knowledge
7. Bond et al

مؤثر واقع شود. تحقیقات صورت گرفته مؤید این مطلب است، از جمله این که ایمانی و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند متغیرهای ذهن آگاهی، انعطاف پذیری روان شناختی و خودشناسی انسجامی نقش معناداری در پیش بینی بهزیستی روان شناختی دانشجویان دارند. یافته های پژوهش حجازی، صادقی و خاکی (۱۳۹۱) نشان می دهد زمانی که معلمان دارای نگرش مثبت به شغل خود هستند، احساس کارآمدی بالایی دارند، محیط کارشان برانگیزاننده است و تعهد شغلی بالایی دارند. یافته های پژوهش حاجی فتحعلی، قربانی و رستمی (۲۰۲۱) نشان می دهد که عزت نفس در عملکرد، رابطه معناداری با خودشناسی انسجامی، ذهن آگاهی و کنترل خود دارد و بر سلامت روانی و احساسات خودآگاه تاثیر می گذارد. اوه و چانگ^۱ (۲۰۱۱) نشان دادند که سطوح شناختی مطلوب قادر است تعهد سازمانی را افزایش دهد. از طرفی خودمهارگری را می توان به عنوان انطباق واکنش های شخصی با استانداردهایی مانند ارزش های اخلاقی و انتظارات اجتماعی تلقی کرد (باومایستر، ووهمس و تیس^۲، ۲۰۰۷؛ به نقل از ساگار^۳، ۲۰۲۱: ۱۰۴). خودمهارگری به خودی خود، شایستگی و درواقع، آگاه شدن از قابلیت های معرف خود برای هر فرد است. خودمهارگری، شناختی است که روش دستیابی به میزانی از همراهی و خودمختاری را برای فرد مشخص می کند (لوموان^۴، ۲۰۱۲). کارادیماس^۵ (۲۰۰۶) و هاگز^۶ (۲۰۰۶) خاطرنشان ساختند معلمانی که از طریق خودمهارگری باور دارند که می توانند وظایف خود را به خوبی انجام دهند، برای انجام وظایف خود، بیش تر احساس آمادگی می کنند و در مواجهه با فشارها و تغییرات، کمتر دچار تنیدگی می شوند. در مقابل، معلمانی که از خودمهارگری پایینی برخوردارند، بیش تر در معرض تجربه تنیدگی و پسایندهای هیجانی منفی وابسته به تجارب تنیدگی قرار می گیرند. همچنین، خودشناسی، تأثیر سودمندی بر عملکرد برتر آموزشگاهی، علاقه به فلسفه در میان معلمان و دانش آموزان دبیرستان می گذارد (قربانی و همکاران، ۲۰۰۸). درواقع، ظرفیت بالای خودمهارگری به طور نیرومندی سازگاران است و معلمان را قادر می سازد تا شادتر و سالم تر زندگی کنند (تانگنی، باومایسترو بون^۷، ۲۰۰۴). سنجیده و همکاران (۱۳۹۶) به این نتیجه رسیدند که خودمهارگری می تواند هر دو متغیر ملاک رضایت شغلی و سلامت روان معلمان را پیش بینی کند. پارسونز^۸ (۲۰۱۷) نشان داد که مربیان در مقطع کارشناسی ارشد با توانایی خودمهارگری، استراتژی هایی را که از موفقیت دانشجویان دوره کارشناسی پشتیبانی می کنند، اجرا نمایند. به این ترتیب مشخص می شود که خودمهارگری با مشخصه نیل به هدف عالی و بی توجهی به امیال منحرف کننده، به صورت نظری،

1. Oh & Chung
2. Baumeister, Vohs & Tice
3. Sagar
4. Lemoine
5. Karademas
6. Hughes
7. Tangney, Baumeister & Boone
8. Parsons

قادر است تا بر نگرش شغلی مؤثر باشد. از سویی، تحقیقات لوگو^۱ (۲۰۰۹) نشان داده است که خودمهارگری با مفهوم عملکرد معلمان رابطه دارد و نشان‌دهنده میزان توانایی فرد در اندیشیدن به پیامدهای رفتار خویش است، از طرفی، بسیاری از مشکلات افراد، ناشی از مشکلات تکانه‌هایی نظیر نسنجیده‌رفتار کردن یا شتاب‌زدگی است.

در خصوص نیازهای بنیادین روان‌شناختی باید اشاره کرد که تجربه استقلال، شایستگی و ارتباط مؤثر معلمان با دیگران، انگیزش درونی ایشان را تسهیل می‌کند و این امر می‌تواند در نوع رفتارهای آموزشی ایشان مؤثر واقع شود؛ به معنی دیگر، زمانی که معلمان در تصمیمات خود (شخصی و کاری) دارای استقلال باشند، و در شغل خود احساس مؤثر بودن کنند و ارتباطات کاری و غیرکاری مطلوبی با دیگران داشته باشند، این عوامل در تأمین نیازهای بنیادین روان‌شناختی اثرگذار است. معلمان نیازهای فیزیکی، اجتماعی و روان‌شناختی دارند، که رضایت آنان از زندگی را فراهم می‌آورد، در این میان، نیازهای بنیادین روان‌شناختی شامل احساس اختیار و اراده‌داشتن در انجام کارها، تمایلی ذاتی برای تجربه رفتاری است که خود شخص آن را ترتیب داده است (چن و جانگ، ۲۰۱۰). سه نیاز اساسی روان‌شناختی استقلال، شایستگی و پیوستگی، موجب کاهش یا افزایش انگیزش درونی معلمان به منظور درگیر شدن در رفتار تدریس می‌شود (دومنچ- بتورت و گومز آرتیگا، ۲۰۱۴). نیازهای بنیادین روان‌شناختی، شاخصه مهمی در راستای تعیین میزان رضایت‌مندی از استقلال، شایستگی، ارتباط و نوآوری در کلاس درس است (کونسا و دونابیتیا، ۲۰۲۱: ۸). در کلاس، این احساس دانش‌آموزان که معلم به‌طور بی‌ریا و خالصانه آن‌ها را دوست دارد و برای آن‌ها ارزش قائل است، با درس مرتبط است (فیلاک و شلدون، ۲۰۱۰). نیازهای روان‌شناختی معلمان مربوط به مواردی از قبیل: آزادی در تصمیم‌گیری در مورد برنامه درسی و فعالیت‌ها در کلاس درس با تأکید بر تعاملات دوجانبه با دانش‌آموزان، همچنین ارتباط عاطفی و قابل اعتماد با سایر معلمان در حوزه کاری است (آنگل-آلوارادو، ویلهلمی و بلتیچ، ۲۰۲۱: ۳). درخصوص تحقیقاتی که به ارتباط بین نیازهای بنیادین با رفتار معلمان پرداخته شده است، می‌توان به تحقیق موسوی بیوکی و همکاران (۱۳۹۷) اشاره کرد که نشان دادند متغیر نیازهای بنیادین روان‌شناختی، برای توضیح تغییرات عملکرد شغلی معلمان، معنادار می‌باشد. نتایج پژوهش همایون ولیانی، بیگدلی و فتی (۱۳۹۵) نشان داد که ارضای نیازهای روانی بنیادین اعضای هیئت علمی، تاثیر مهمی در کاهش میزان فرسودگی شغلی کلی آن‌ها دارد. یافته‌های مهری، قربانی و سبزه آرای لنگرودی (۱۳۹۱) نشان داد که عملکرد شغلی با شاخص‌های خودآگاهی و ارضای نیازهای روان‌شناختی، همبستگی

1. Logue
2. Chen & Jang
3. Doménech Betoret & Gómez Artiga
4. Conesa & Dunabeitia
5. Filak & Sheldon
6. Angel Alvarado, Wilhelmi & Belletich

مثبت و با شاخص‌های سلامت روان همبستگی منفی دارد. یافته‌های تک و واندرلایند^۱ (۲۰۱۹) نشان می‌دهد که بین ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی و گرایش‌های پژوهشی معلمان رابطه مثبتی وجود دارد. یافته‌های مطالعه کاسیس و همکاران^۲ (۲۰۱۹) نیز نشان می‌دهد که ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی معلمان، بر خودکارآمدی درک‌شده آن‌ها و سطوح بالاتر استقلال و شایستگی تأثیر دارد. همچنین، ژن^۳ و همکاران (۲۰۱۷) در نتایج بررسی‌های خود گزارش کردند ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی دانشجویان، با خودکارآمدی تحصیلی آنان رابطه معناداری دارد. آنان همچنین دریافته‌اند، ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی دانشجویان، با درگیری تحصیلی‌شان رابطه معناداری دارد.

محقق، به‌عنوان فرد شاغل در آموزش و پرورش، به لحاظ تعامل با معلمان، با این مسأله مواجه بوده است که برخی از معلمان، نگرش مطلوبی به شغل تدریس ندارند، در اصل، معلمان صرفاً در کلاس درس، حاضر شده و تلاش دارند تا در حد کفایت، مطالب درسی را به دانش‌آموزان بیاموزند، ایشان نگرش به شغل معلمی و تدریس را صرفاً حضور در کلاس و طی زمان کلاس با دانش‌آموزان می‌دانند، نتیجه این امر، عدم یادگیری مطلوب دانش‌آموزان و صرف بیهوده زمان آموزش شده است، به‌خصوص که در پایه‌های بالاتر، در شهرستان خوی، معلمان با این مسأله مواجه شده‌اند که دانش‌آموزان نتوانسته‌اند دروس را بفهمند و به‌کارگیرند، به نظر می‌رسد که این موضوع به این مسأله برمی‌گردد که معلمان ابتدایی نتوانسته‌اند با شغل خویش سازگار شده و نگرش مطلوبی به آن داشته باشند، به نظر می‌رسد که عواملی از قبیل: سازه‌های خودشناسی و تأمین نیازهای بنیادین می‌تواند در این امر دخیل باشند؛ لذا تحقیقی طراحی شد تا به این سؤال پاسخ دهد که آیا خودشناسی انسجامی، خودمهارگری و نیازهای بنیادین روان‌شناختی، با نگرش شغلی معلمان ابتدایی ارتباط دارد؟

روش‌شناسی

پژوهش به لحاظ هدف، در زمره پژوهش‌های کاربردی و به لحاظ روش گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری را کلیه معلمان دوره ابتدایی شهرستان خوی در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ به تعداد ۱۳۲۴ نفر (۸۲۵ نفر زن و ۴۹۹ نفر مرد) تشکیل دادند که با استفاده از روش شبیه‌سازی مونت کارلو، ۳۰۲ نفر به‌عنوان نمونه از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبی انتخاب شدند.

ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه‌های استاندارد بود. در تحقیق حاضر برای اندازه‌گیری خودشناسی انسجامی، از مقیاس خودشناسی انسجامی قربانی و همکاران (۲۰۰۸)

1. Tack & Vanderlinde
2. Kassis et al
3. Zhen

استفاده شد، این پرسشنامه، دارای ۱۲ گویه بوده که براساس یک مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای پاسخ داده می‌شوند. طی چندین مطالعه، روایی و پایایی این مقیاس به تأیید رسیده است (میانگین ضرایب آلفای این مقیاس در مطالعات مذکور ۰/۸۰ بوده است). نمره بالا در این مقیاس، با ارزیابی ویژگی‌های رفتاری وابسته به خودشناسی در دگرسنجی‌ها در هر دو فرهنگ همراه بوده است. خودشناسی در پیش‌بینی سلامت روان در قیاس با پنج عامل بزرگ شخصیت، دارای روایی افزایشی است و فراتر از این، عامل‌های شخصیتی، توان تبیین سلامت روان را دارند. روایی ابزار مذکور، در تحقیق قربانی و همکاران (۲۰۱۰) مورد تأیید قرار گرفته و پایایی آن ۰/۷۹ به‌دست آمده است. در تحقیق حاضر نیز، پایایی ابزار از طریق ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۴ به‌دست آمد؛

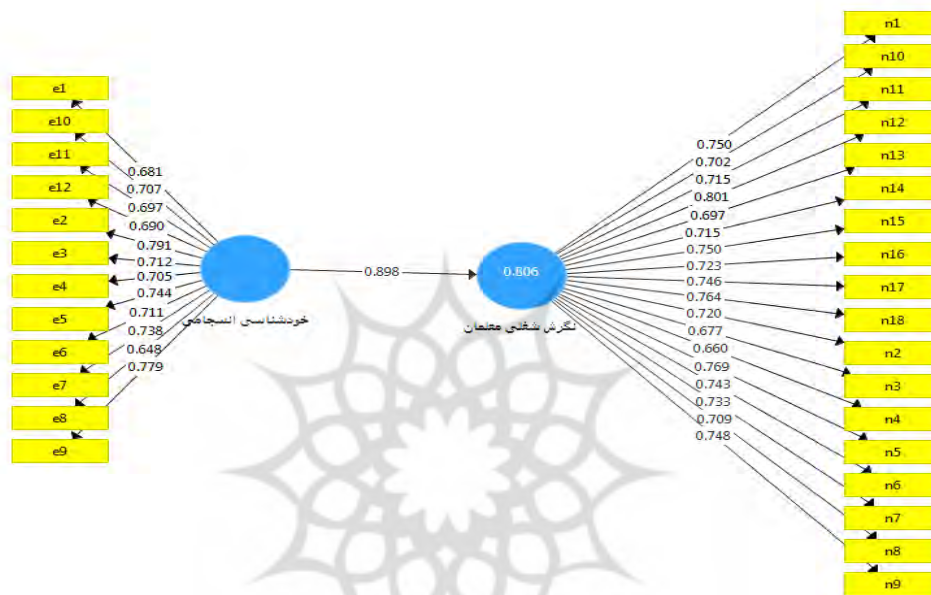
برای اندازه‌گیری خودمهارگری، از فرم کوتاه مقیاس خودمهارگری (تانگنی و همکاران، ۲۰۰۴) که شامل ۱۳ ماده است، به منظور سنجش گرایش خودمهارگری استفاده شد. تانگنی و همکاران (۲۰۰۴)، فرم کوتاه این مقیاس را دارای روایی و پایایی مطلوب گزارش کردند؛ در مطالعات ایرانی نیز آلفای کرونباخ فرم کوتاه این مقیاس ۰/۸۰ گزارش شده است (سرافراز، قربانی و جواهری، ۱۳۹۲). به علاوه برای سنجش نیازهای روان‌شناختی پایه، از پرسشنامه نیازهای روان‌شناختی پایه گاردیا، دسی و رایان (۲۰۰۰) استفاده شد، این ابزار میزان احساس حمایت از نیازهای خودمختاری، شایستگی و ارتباط آزمودنی‌ها را می‌سنجد. این پرسشنامه دارای ۳ زیرمقیاس (استقلال، شایستگی، پیوستگی) و ۲۱ گویه است. پرسشنامه بر مبنای طیف ۷ درجه‌ای لیکرت طراحی شده است. نحوه نمره‌گذاری گویه‌ها به صورت مثبت می‌باشد و در گویه‌های ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۶، ۱۵، ۱۱، ۷، ۴ و ۳ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. صالحی، قمرانی و صالحی (۱۳۹۲) روایی و پایایی پرسشنامه (ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰) را مورد تأیید قرار دادند. در تحقیق حاضر نیز، پایایی ابزار از طریق ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۰ به دست آمد.

جهت اندازه‌گیری نگرش حرفه‌ای (شغلی) معلمان، از پرسشنامه نگرش حرفه‌ای (شغلی) معلمان یزدان‌پناه (۱۳۹۳) استفاده می‌شود. این پرسشنامه دارای ۱۸ گویه است و جهت اندازه‌گیری نگرش‌هایی که معلمان نسبت به شغل تدریس و آموزش دارند استفاده می‌شود و دارای مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای است. روایی ابزار مذکور در تحقیق یزدان‌پناه (۱۳۹۳) مورد تأیید قرار گرفته است و پایایی آن را ۰/۸۵ به دست آوردند. در تحقیق حاضر پایایی ابزار، از طریق ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۷۹ به دست آمد.

همچنین، برای بررسی ارتباط میان متغیرها در مدل ارائه‌شده و قابلیت آزمودن تئوری‌ها در قالب معادلات، از تحلیل معادلات ساختاری، از طریق نرم‌افزار Smart PLS استفاده شد.

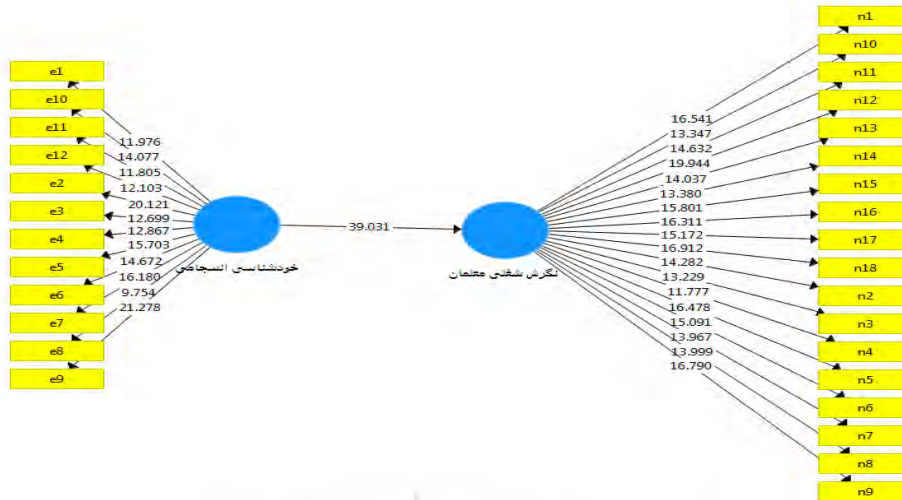
یافته‌ها

در تحلیل داده‌های پژوهش، جهت پاسخ‌دهی به سوال تحقیق، از تحلیل معادلات ساختاری استفاده شد. در ابتدا به منظور سنجش روابط ساختاری، بین خودشناسی انسجامی و نگرش شغلی معلمان ابتدایی شهرستان خوی، از مدل استاندارد استفاده به عمل آمد که نتایج آن در شکل (۱) ارائه شده است.



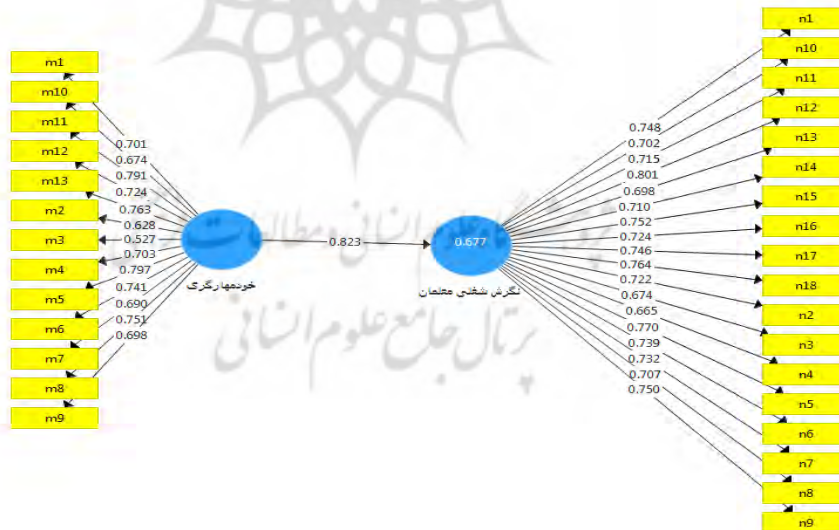
شکل (۱) مدل پژوهش ارتباط خودشناسی انسجامی با نگرش شغلی براساس مقادیر استانداردشده

مطابق با شکل (۱) و بر اساس ضریب معناداری (T-VALUE) و نتایج به‌دست‌آمده از آزمون T مقدار ضریب معناداری به‌دست‌آمده در مؤلفه خودشناسی انسجامی بیش از ۱/۹۶ بوده که این امر نشان‌دهنده وجود رابطه میان متغیرها است.



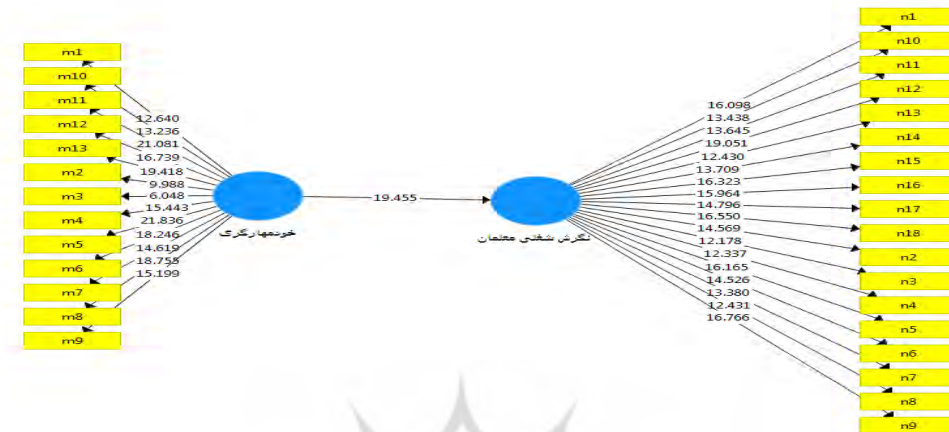
شکل (۲) تحلیل مسیر ارتباط خودشناسی انسجامی با نگرش شغلی معلمان

مطابق با شکل (۲) به دلیل مقدار آماره t در معادله ساختاری، و در ارتباط بین خودشناسی انسجامی و نگرش شغلی معلمان ابتدایی، رابطه ساختاری از عدد $1/96$ بالاتر بوده (۳۹/۰۳)، بنابراین فرض صفر، رد و فرض مقابل، مبنی بر این که بین خودشناسی انسجامی و نگرش شغلی معلمان ابتدایی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد، تأیید می‌شود.



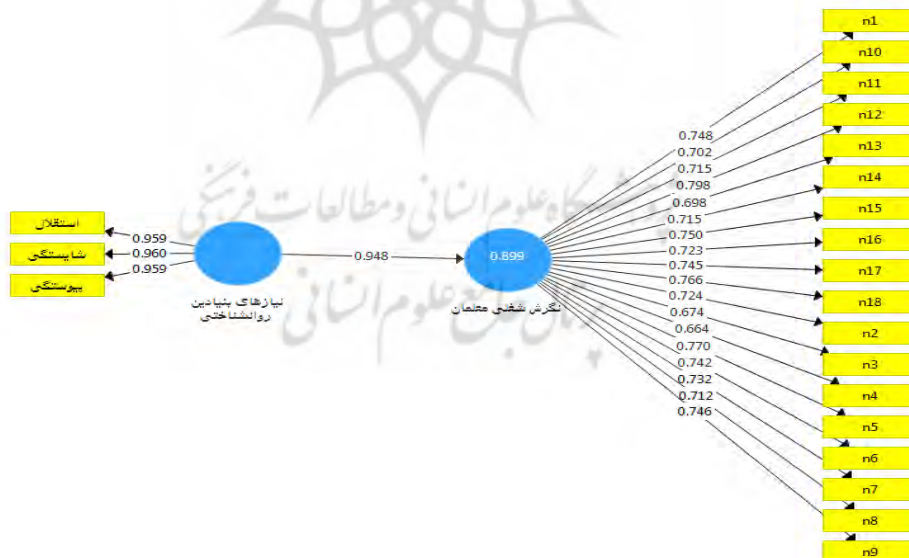
شکل (۳) مدل پژوهش خودمهارگری با نگرش شغلی بر اساس مقادیر استاندارد شده

مطابق با شکل (۳) و بر اساس ضریب معناداری (T-VALUE) و نتایج به دست آمده از آزمون T مقدار ضریب معناداری به دست آمده در مؤلفه خودمهارگری، بیش از $1/96$ بوده که این امر نشان دهنده وجود رابطه میان متغیرها است.



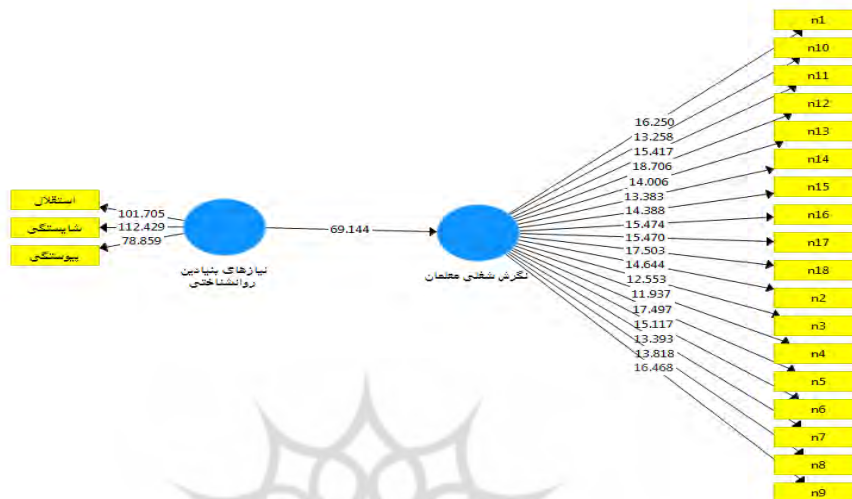
شکل (۴) تحلیل مسیر ارتباط خودمهارگری با نگرش شغلی معلمان

مطابق با شکل (۴) به دلیل مقدار آماره t در معادله ساختاری، و در ارتباط بین خودمهارگری و نگرش شغلی معلمان ابتدایی، رابطه ساختاری از عدد $1/96$ بالاتر بوده (۱۹/۴۵)، بنابراین فرض صفر، رد و فرض مقابل، مبنی بر این که بین خودمهارگری و نگرش شغلی معلمان ابتدایی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد، تأیید می شود.



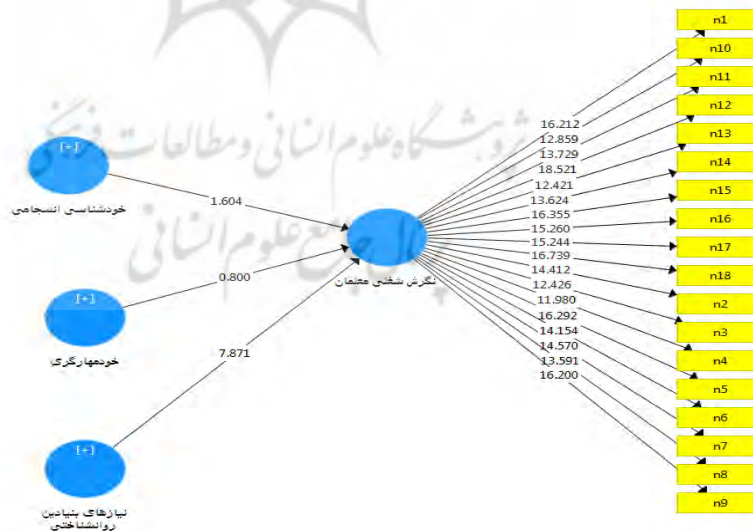
شکل (۵) مدل پژوهش ارتباط نیازهای بنیادین روانشناختی با نگرش شغلی بر اساس مقادیر استاندارد شده

مطابق با شکل (۵) و بر اساس ضریب معناداری (T-VALUE) و نتایج به‌دست‌آمده از آزمون T، مقدار ضریب معناداری به‌دست‌آمده در مؤلفه نیازهای بنیادین روان‌شناختی، بیش از ۱/۹۶ بوده که این امر نشان‌دهنده وجود رابطه میان متغیرها است.



شکل (۶) تحلیل مسیر ارتباط نیازهای بنیادین روانشناختی با نگرش شغلی معلمان

مطابق با شکل (۶) به دلیل مقدار آماره t در معادله ساختاری، و در ارتباط بین نیازهای بنیادین روانشناختی و نگرش شغلی معلمان ابتدایی، رابطه ساختاری از عدد ۱/۹۶ بالاتر بوده (۶۹/۱۴)، بنابراین فرض صفر رد و فرض مقابل مبنی بر این که بین نیازهای بنیادین روانشناختی و نگرش شغلی معلمان ابتدایی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد، تأیید می‌شود.



شکل (۷) مدل پژوهش ارتباط خودشناسی انسجامی، خودمهارگری و نیازهای بنیادین روانشناختی با نگرش شغلی

همان‌گونه که در شکل فوق مشخص است، چون مقدار آماره t در معادله ساختاری ارتباط بین خودشناسی انسجامی، خودمهارگری و نیازهای بنیادین روان‌شناختی، صرفاً متغیر نیازهای بنیادین روان‌شناختی با نگرش شغلی معلمان ابتدایی از عدد $1/96$ بالاتر است ($7/87$)، لذا فرض صفر را رد و فرض مقابل، مبنی بر اینکه بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی و نگرش شغلی معلمان ابتدایی، روابط ساختاری ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد را می‌پذیریم.

شاخص‌های برازش نگرش شغلی معلمان نیز نشان داد که شاخص برازندگی χ^2 دو، به درجه آزادی (df) برابر با $2/70$ است. شاخص ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) برابر با $0/06$ است. شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر با $0/89$ است. شاخص نیکویی برازش تعدیل‌شده (AGFI) برابر با $0/78$ است. شاخص برازش هنجار شده یا شاخص بنتلر-بونت (NFI) برابر با $0/86$ است. شاخص برازش هنجار نشده (NNFI) برابر با $0/88$ است. شاخص برازش افزایشی (IFI) برابر با $0/88$ است. شاخص برازش تطبیقی (CFI) برابر با $0/90$ است. بنابراین مطابق با شاخص‌های به‌دست‌آمده می‌توان گفت که روابط ساختاری خودشناسی انسجامی، خودمهارگری و نیازهای بنیادین روان‌شناختی با نگرش شغلی معلمان ابتدایی، از برازش مطلوبی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

اقدامات مستمر معلمان دوره ابتدایی در محیط کاری مبتنی بر نگرشی است که از تجارب شغلی به‌دست می‌آید. در حقیقت، نگرش معلمان در طول دوران فعالیت در نظام آموزش و پرورش، برگرفته از عوامل متعددی است که در این تحقیق به بررسی رابطه بین این عوامل با نگرش شغلی آن‌ها پرداخته شده است.

نتیجه اصلی تحقیق حاضر این است که خودشناسی انسجامی، خودمهارگری و نیازهای بنیادین روان‌شناختی با نگرش شغلی معلمان ابتدایی دارای روابط مثبت و معناداری است. درواقع، معلمان باید به این شناخت برسند که داشتن خودشناسی انسجامی در فعالیت‌های آموزشی، مستلزم اقدامات یادگیری تخصصی است که آگاهانه و به منظور هدایت استعدادها و علاقه کودکان به سوی مشارکت فعال و مؤثر در زندگی اجتماعی محلی و جامعه بزرگ‌تر انجام می‌گیرد. کار معلم، کمک به کودکان در غنی‌تر کردن زندگی خودشان و مشارکت در بهسازی جامعه از طریق آشنا کردن آنان با اطلاعات، مهارت‌ها و نگرش‌های سودمند است، مسأله آموزش، تنها توجه به این نیست که کدام موضوع باید آموخته شود، یا ذهن یادگیرنده تقویت شود و یا دانش او افزایش پیدا کند، بلکه باید به بهبود زندگی وی نیز توجه شود. به عبارتی، معلمی موفق است که با استفاده از رفتار مناسب در کلاس، محتوای آموزشی مطلوب، ارزشیابی صحیح و روش‌های تدریس مناسب، سطح معلومات کاربردی شاگردان را بالا ببرد و رسالت تربیتی خود را در راستای بهتر کردن زندگی فردی وی ایفا

نماید، به این جهت است که داشتن خودشناسی انسجامی می‌تواند نگرش شغلی ایشان را بهبود ببخشد. نتایج نشان می‌دهد که بین خودشناسی انسجامی و نگرش شغلی معلمان ابتدایی، روابط مثبت و معنادار ساختاری وجود دارد. در تبیین یافته فوق، باید اشاره داشت که معلمان با داشتن خودشناسی انسجامی در تدریس، نگرش مثبت به دانش‌آموزان، کاربرد اصول تدریس در فرآیند آموزش دانش‌آموزان، و رفتارهای آموزشی را بهبود می‌بخشند. در واقع، تسلط بر حرفه تدریس، معلمان را در تعیین آنچه که باید یاددهند، یاری می‌دهد و از این طریق نقشه راه و یا محتوای ساختار بندی شده را برای تدریس بهتر به دست می‌آورند و بدین طریق، نگرش شغلی معلمان بهبود می‌یابد. نتیجه به دست آمده، با نتایج تحقیقات ایمانی و همکاران (۱۳۹۶)، حجازی، صادقی و خاکی (۱۳۹۱)، حاجی فتحعلی، قربانی و رستمی (۲۰۲۱)، اوه و چانگ (۲۰۱۱) هم‌سو است. از لحاظ نظری، خودشناسی انسجامی به فرد این امکان را می‌دهد که به واسطه درک توانمندی‌های خود، افکار و احساساتش را سازمان دهد و مناسب‌ترین فعالیت‌ها را برای رسیدن به نتایج مطلوب، شناسایی و انتخاب کند (قربانی و همکاران، ۲۰۱۵). خودشناسی انسجامی بنابر پژوهش‌های انجام شده، در تبیین عملکرد افراد، نقشی بسزا دارد. به عنوان مثال، عنوان شده است که خودشناسی در پیش‌بینی عملکرد شغلی تدریس، دارای روایی افزایشی است و توان تبیین عملکرد شغلی تدریس را دارد (بوند و همکاران، ۲۰۱۱). در اصل، خودشناسی انسجامی به تلاش فرد در یکپارچه کردن تجربه خود در گذشته، حال و آینده در جهت سازش و ارتقای خود، اشاره دارد، این مدل، به منظور درک یکپارچه‌ای از فرآیندهای درون خود، همچنین آگاهی بیش از پیش، از پویای‌های درون‌روانی، ساخته شده است (قربانی، کانینگهام^۱ و واتسون^۲، ۲۰۱۰). از طرفی، خودمهارگری موجب بهبود کیفیت فعالیت‌های تدریس می‌شود. خودمهارگری، معلمان را در فرایند تفکر صحیح و منطقی آموزش کلاسی کمک می‌کند. آنچه در خودمهارگری مهم به نظر می‌رسد، قواعد و قالب فکری معلمان است که نسبت به مسائل یادگیری و برنامه درسی دارند و همین مسأله بخش عظیمی از نگرش‌ها و چگونگی انجام فعالیت‌ها را در برمی‌گیرد، وقتی معلمان در برخورد با مسائل کلاسی از خودمهارگری برخوردار باشند، احساس می‌کنند که آسان‌تر می‌توانند مشکلات یادگیری دانش‌آموزان را رفع نمایند. معلم برخوردار از خودمهارگری با برقراری ارتباط مؤثر و مثبت با فراگیران، محیط مساعدی را برای فراگیری آن‌ها فراهم می‌آورد و به کمک خودمهارگری سعی می‌کند با شاگردان رابطه متقابل و احترام‌آمیز برقرار کند و آن‌ها را همچون افراد واقعی جامعه برای تعامل و داد و ستدهای اجتماعی آماده کند؛ به این دلیل، همدلی و همراهی معلم با فراگیران موجب می‌شود که آن‌ها موانع را پشت سر بگذارند و به محیط، بیش‌تر علاقه‌مند شوند و نگرش شغلی‌شان را ارتقا دهند. نتایج یافته‌ها بیانگر این است که بین خودمهارگری و نگرش شغلی معلمان، روابط

1. Cunningham
2. Watson

مثبت و معناداری وجود دارد. این طور استنباط می‌شود که داشتن خودمهارگری، می‌تواند عملکرد تدریس را تسهیل نماید و این کار در اعتماد به نفس معلم، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و برآورده کردن انتظارات والدین، مؤثر است و در نهایت، نگرش شغلی ایشان را بهبود می‌بخشد. ویژگی خودمهارگری در میان معلمان منجر به این می‌شود که در هنگام تدریس، نشاط روحی و آرامش خود را حفظ نمایند تا دانش‌آموزان با کمال آرامش و اطمینان خاطر مطالب درسی را درک کرده و بتوانند مطالب را به خوبی یاد بگیرند. درواقع، معلم دارای خصیصه فروتنی و بردباری در قبال اشتباهات دانش‌آموزان است تا آن‌ها را به نیکی راهنمایی کند، بنابراین چنین وضعیتی، بهبود نگرش شغلی آن‌ها را به دنبال خواهد داشت. نتیجه به‌دست‌آمده با نتایج تحقیقات سنجیده و همکاران (۱۳۹۶)، پارسونز (۲۰۱۷) و لوگو (۲۰۰۹) هم‌سو است. از لحاظ نظری، خودمهارگری منجر به بازداری تکانه‌های غیرقابل‌پذیرش و نامطلوب و نظم‌دادن به رفتارها (تانگنی و همکاران، ۲۰۰۴)، و ارتقای عزت نفس (تایلر و همکاران^۱، ۲۰۲۱) می‌شود. خودمهارگری به‌عنوان نیروی درونی در دسترس، برای بازداری، نپذیرفتن یا تغییر پاسخ‌هایی است که از باورهای اخلاقی، ویژگی‌های اجتماعی، سطح مذهبی بودن والدین، مشارکت فرد در فعالیت‌ها و سنت‌های مذهبی، تأثیر می‌پذیرد (ویکستروم و تریبر^۲، ۲۰۰۷) و ممکن است نتیجه فرآیندهای روان‌شناختی، عادت، یادگیری یا فشار موقعیتی باشد (اشمایکل و بامیستر^۳، ۲۰۱۰). درواقع، خودمهارگری، توانایی سازگاری و تغییردادن خود، متناسب با محیط است، توانایی تغییر پاسخ‌های درونی فرد و قطع تمایلات رفتاری ناشایست و اجتناب از عمل به آن‌ها (تانگنی و همکاران، ۲۰۰۴)، همچنین کنترل عواطف، برای پیش‌بینی رفتار (کینگ و گارلان^۴، ۲۰۱۴) است. نظریه‌های مرتبط با خودمهارگری اشاره کرده‌اند که افراد دارای خودمهارگری بالا، سازگاری روانی بیشتر و مشکلات روان‌شناختی کمتری دارند (وهس، فینکناور^۵ و بامیستر، ۲۰۱۱)، به عبارتی، خودمهارگری، منجر به انتخاب کنترل‌شده و عقلانیت می‌شود (آپ، ۲۰۲۰: ۱۵۸)؛ همچنین، تامین نیازهای بنیادین روان‌شناختی معلمان می‌تواند شامل این موضوع باشد که ایشان در عمل تدریس به صورت مستقل عمل نموده و از دخالت بیش از حد دیگران (بخشنامه‌ها، مدیریت مدرسه و کارشناسان منطقه) جلوگیری به عمل می‌آورند. در اصل، معلمی که در کار خود، احساس استقلال کند، در رفتار آموزشی، به صورت مطلوب عمل خواهد نمود؛ همچنین، باید شرایط تدریس به‌گونه‌ای باشد که معلم، استعداد تدریس خود را به صورت مؤثر نشان دهد و از سوی مدیریت مورد تشویق قرار گیرد تا احساس کند در کار خود شایسته و توانمند است؛ به عبارتی، میل به داشتن ارتباطات با دیگران در حوزه کاری و

1. Tyler et al
2. Wikstrom & Treiber
3. Schmeichel & Baumeister
4. King & Gaerlan
5. Vohs & Finkenauer

غیرکاری باید تأمین شود و این کار می‌تواند از طریق پذیرش مدیریت و دیگر همکاران در حوزه کاری صورت پذیرد، درواقع، انزوای شخص معلم می‌تواند در کاهش نگرش شغلی مؤثر باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین نیازهای بنیادین روان‌شناختی با نگرش شغلی معلمان ابتدایی، روابط مثبت و معنادار ساختاری وجود دارد. در تبیین یافته فوق باید اشاره داشت هر فردی نیاز به احساس مستقل بودن، خودمختاری، داشتن حق انتخاب و تصمیم‌گیر بودن دارد. معلمانی که این نیاز در آن‌ها ارضا می‌شود، خود را توانمند می‌یابند و به‌طور خودانگیزخته در فعالیتهای آموزشی شرکت کرده و بنابراین سطوح بالاتری از انگیزش را تجربه می‌کنند؛ از طرف دیگر، وقتی که معلمان خود را در محیط آموزشی، اثربخش می‌یابند در پی آن هستند تا رفتارهای مطلوب آموزشی را در قبال دانش‌آموزان بروز دهند و در نتیجه، نگرش شغلی مطلوبی به دست می‌آورند. نتیجه به‌دست‌آمده، با نتایج تحقیقات موسوی بیوکی و همکاران (۱۳۹۷)، همایون ولیانی، بیگدلی و فتی (۱۳۹۵)، مهری، قربانی و سبزه‌آرای لنگرودی (۱۳۹۱)، کاسیس و همکاران (۲۰۱۹) ژن و همکاران (۲۰۱۷) هم‌سو است. از دیدگاه نظری، دسی و ریان (۲۰۰۰) بیان می‌کنند که ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی بر نتایج مثبت انگیزشی، شناختی و رفتاری اثر می‌گذارد. مطابق با نظریه خودتعیین‌گری، منبع تغذیه رشد و کارکرد سالم، نیازهای روان‌شناختی (خودمختاری، ارتباط و شایستگی) است چنانچه نیازها تا حدودی به‌طور مداوم ارضا شوند، افراد به‌طور مؤثر، در فعالیت‌ها درگیر شده و به عملکرد مثبتی دست می‌یابند. نیازهای بنیادین روان‌شناختی بر شکل‌گیری شرایط زندگی علمی، با توجه به سطوح بالاتر ادراک، ضروری است (کاسیس و همکاران، ۲۰۱۹: ۳۱۹). دسی و ریان (۲۰۰۷)، معتقدند که انرژی حاصل از ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی، فرد را توانمند می‌سازد و وی به‌طور خودخواسته در فعالیتهای مهم، استمرار و پشتکار خواهد داشت، بنابراین انگیزش درونی بازتابی از ارضای نیازهای روان‌شناختی خواهد بود. درواقع، نیازهای بنیادین روان‌شناختی، با هدف افزایش انگیزه در توسعه حرفه‌ای، به ارتقای استقلال و شایستگی در معلمان می‌انجامد (جرامیلو- باکوریزو و همکاران^۱، ۲۰۲۱: ۳۱۵).

در راستای نتایج به‌دست‌آمده، پیشنهاد می‌شود معلمانی که در عملکرد حرفه‌ای از موفقیت قابل‌ملاحظه‌ای برخوردار بوده و خودشناسی انسجامی مطلوبی دارند، مورد حمایت‌های مادی و معنوی قرار گیرند؛ مثلاً با فراهم کردن شرایط حضور در همایش‌ها و کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی مورد تشویق قرار گیرند تا در سایه این تشویق‌ها، موفقیت‌ها تداوم و سایر معلمان، انگیزه لازم برای پیشرفت حرفه‌ای پیداکنند؛ از طرفی، دوره‌های آموزشی لازم برای بهبود خودمهارگری برای معلمان به‌صورت مطلوب و مکرر برگزار شود؛ همچنین از آنجا که نیازهای غالب معلمان، نیاز به احترام و خودشکوفایی بوده و بدون شک، این فرایندها بر بهبود نگرش شغلی تاثیرگذار است، در جهت مرتفع‌ساختن نیازهای بنیادین، اقدام‌های عملی انجام گیرد؛ در این راستا، مشارکت‌دادن معلمان در

فرآیند تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری درباره مسائل آموزشی، پرورشی و پژوهشی در سطح محلی، منطقه‌ای و... به عمل آید تا با توجه‌کردن به نظرات و دیدگاه آنان، بتوان به احساس شایستگی، کفایت و مهارت و ایجاد نگرش شغلی، عمل مؤثری انجام داد.

منابع

- ایمانی، مهدی؛ کریمی، جواد؛ بهبهانی، مهدیه و امیدی، عبدالله. (۱۳۹۶). بررسی نقش ذهن‌آگاهی، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و خودشناسی انسجامی بر بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان. *دوماهنامه فیض*، ۲۱(۲)، ۳۲-۴۶.
- حجازی، الهه؛ صادقی، ناهید و خاکی، سکینه‌خاتون. (۱۳۹۱). رابطه نگرش شغلی، احساس کارآمدی و کارآمدی جمعی با تعهد شغلی معلمان. *نوآوری‌های آموزشی*، ۱۱(۴۲)، ۷-۲۹.
- سرافزار، مهدی‌رضا؛ قربانی، نیما و جواهری، عابدین. (۱۳۹۲). خودمهارگری: ظرفیتی واحد یا دووجهی؟ تمایز بین وجوه بازدارندگی و برانگیزندگی در دانشجویان دانشگاه‌های تهران. *فصلنامه پژوهش در سلامت روان شناختی*، ۵(۶)، ۶۹-۷۵.
- سنجیده، زهره؛ ارجمند، حسین و شفیعی‌سورک، سینا. (۱۳۹۶). رابطه خودمهارگری و خود آگاهی با رضایت شغلی و سلامت روان معلمان شهرستان بافق. *سومین کنفرانس ملی روانشناسی علوم تربیتی و اجتماعی، بابل، موسسه علمی تحقیقاتی کومه علم آوران دانش*.
- صالحی، هاجر؛ قمرانی، امیر و صالحی، زهرا. (۱۳۹۲). رابطه نیازهای بنیادی روانشناختی و سلامت روان جانبازان بیمارستان حضرت امیرالمومنین اصفهان. *مجله علمی- پژوهشی طب جانباز*، ۶(۲۲)، ۳۹-۴۵.
- کریمی، فریبا. (۱۳۸۷). مطالعه صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان دوره ابتدایی. *فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی*، ۲(۴)، ۱۵۵-۱۶۱.
- گل‌پرور، محسن و رفیع‌زاده، پروین‌دخت. (۱۳۸۸). رابطه ارتقای رفتارهای شهروندی سازمانی از طریق نگرش‌های شغلی، رشد حرفه‌ای، حمایت رهبری و توانمندسازی. *فصلنامه بصیرت*، ۱۶(۴۴)، ۲۷-۴۵.
- موسوی‌بیوکی، فاطمه‌سادات؛ سوری، احمد و انصاری‌نژاد، نصراله. (۱۳۹۷). پیش‌بینی عملکرد شغلی معلمان بر اساس نیازهای بنیادین روانشناختی. *اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی ایران، تهران، مرکز بین‌المللی همایش‌ها و سمینارهای توسعه پایدار علوم جهان اسلام*.
- مهری، یداله؛ قربانی، نیما و سبزه‌آرای لنگرودی، میلاد. (۱۳۹۱). رابطه بین ارضاء نیازهای بنیادین روان‌شناختی، خودشناسی انسجامی، بهوشیاری، شفقت خود، خودمهارگری و شاخص‌های سلامت روان با عملکرد شغلی معلمان. *روان‌شناسی تحلیلی شناختی*، ۳(۱۱)، ۲۰-۹.
- همایون‌ولیان، فریده و بیگدلی، شعله و فتی، لادن. (۱۳۹۵). بررسی ارتباط بین ارضاء نیازهای روانی بنیادین با فرسودگی شغلی در بین اعضا هیئت علمی علوم پایه و بالینی دانشگاه علوم پزشکی ایران. *علوم پزشکی رازی*، ۲۳(۱۵۳)، ۷۳-۶۲.

یزدان پناه، کیا. (۱۳۹۳). ارتباط سنجی ارگونومی، فرسودگی شغلی و نگرش حرفه‌ای معلمان مقطع متوسطه مدارس دولتی شهر شیراز در سال ۱۳۹۲. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی بخش علوم تربیتی.

- Ali, M. I., & Equbal, S. (2020). Job Satisfaction and Attitude of Teachers at Secondary Level: A Comparative Study. *Diverse Journal of Multidisciplinary Research*, 2(6), 20-25.
- Angel-Alvarado, R., Wilhelmi, M. R., & Belletich, B. (2021). Construct validity: Basic Psychological Needs Scale for Teachers. *Journal for Educators, Teachers and Trainers*, 12(2), 1-10.
- Bond, F. W., Hayes, S.C., Baer, R.A., Carpenter, K.M., Guenole, N., Orcutt, H. K., Waltz, T., & Zettle, R. D. (2011). Preliminary psychometric properties of the Acceptance and Action Questionnaire-II: a revised measure of psychological inflexibility and experiential avoidance. *Behavior Therapy*, 42(4), 676-688.
- Chen, K. C., & Jang, S. J. (2010). Motivation in online learning: Testing a model of self-determination theory. *Computers in Human Behavior*, 26, 741-752.
- Conesa, P. J., & Dunabeitia, J. A. (2021). The Basic Psychological Needs in the Classroom Scale (BPN-CS). *Behavioral Sciences*, 11(7), 1-13.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2007). *Handbook of self-determination research*. Rochester, NY: University of Rochester Press.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The “what” and “why” of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11, 227-268.
- Domenech, F., & Gomez, A. (2014). The relationship among students' and teachers' thinking styles, psychological needs and motivation. *Learning and Individual Differences*, 29, 89-97.
- Filak, V. F., & Sheldon, K. M. (2010). Student psychological need satisfaction and college teacher-course evaluations. *Educational psychology*, 23(3), 235-247.
- Ghorbani, N., Watson, P. J., Fayyaz, F., & Chen, Z. (2015). Integrative self-knowledge and marital satisfaction. *The Journal of Psychology*, 149(1-2), 1-18.
- Ghorbani, N., Cunningham, C. J. L., & Watson, P. J. (2010). Comparative analysis of integrative self-knowledge, mindfulness, and private self-consciousness in predicting responses to stress in Iran. *International Journal of Psychology*, 45 (2), 147- 154.
- Ghorbani, N., Watson, P. J., & Hargis, M. B. (2008). Integrative Self-knowledge scale: Correlations and incremental validity of a cross-cultural measure developed in Iran and United States. *The Journal of Psychology*, 142(4), 395-412.
- Guardia, G.J., Deci, E.L., & Ryan, R.M. (2000). Withinperson variation in security of attachment: A self-theory perspective on attachment, Need Fulfillment and wellbeing. *Journal of personality and social psychology*, 79(8), 367-384.
- Hajifathali, F., Ghorbani, N., & Rostami, R. (2021). The Relationship between Integrative Self-Knowledge, Mindfulness, Self-Control, and Mental Health Parameters. *Journal of Educational Psychology - Propósitos y Representaciones*, 9(3), 1-10.
- Hughes, J. C. (2006). *Teacher stress, teacher efficacy, and standardized testing: A study of New York City public school teachers*. Unpublished Dissertation, University of Fordham.
- Jaramillo-Baquerizo, C., Valcke, M., Vanderlinde, R., & Aelterman, N. (2021). Exploring the Consideration of University Teachers' Basic Psychological Needs in the Design of Professional Development Initiatives. *Journal of Higher Education Policy and Management*, 43(3), 315-329.
- Karademas, E. C. (2006). Self-efficacy, social support and well-being: The mediating role of optimism. *Personality and Individual Differences*, 40, 1281-1290.

- Kassis, W., Graf, U., Keller, R., Ding, K., & Rohlf, C. (2019). The Role of Received Social Support and Self-Efficacy for the Satisfaction of Basic Psychological Needs in Teacher Education. *European Journal of Teacher Education*, 42(3), 391-409.
- Kim, S. S., Im, J., & Hwang, J. (2015). The effects of mentoring on role stress, job attitude, and turnover intention in the hotel industry. *International Journal of Hospitality Management*, 48, 68-82.
- King, R. B., & Gaerlan, M. J. M. (2014). High Self-Control Predicts More Positive Emotions, Better Engagement, and Higher Achievement in School. *European Journal of Psychology of Education*, 29(1), 81-100.
- Korkmaz, F., & Unsal, S. (2020). An Analysis of the Relationship between Attitudes towards Teaching and Professionalism in Teaching. *Revista electrónica de investigación educativa*, 22(5), 1-15.
- Kosar, S. (2015). Öğretmen profesyonelizminin yordayıcıları olarak okul müdürüne güven ve öz yeterlik [Trust in school principal and self-efficacy as predictors of teacher professionalism]. *Eğitim ve Bilim*, 40(181), 255-270.
- Lemoine, C. (2012). *Bilan de compétences et qualité de l'orientation continue*. *Risorsa Uomo*, 11, 11-23.
- Logue, A.W. (2009). Research on self-control: An integrating framework. *Behavioral and Brain Sciences*, 11 (4), 665-679.
- Oh, E. H., & Chung, B. Y. (2011). *The Effect of Empowerment on Nursing Performance, Job Satisfaction, Organizational Commitment, and Turnover Intention in Hospital Nurses*, 2011 Korean Academy of Nursing Administration.
- Opp, K. (2020). Self-control theory. *Analytical Criminology*. University of Leipzig
- Parsons, C. (2017). *Metacognitive Coaching as a Means to Enhance College and Career Success for Students With Executive Function Disorders*. honors in the major theses, AT <http://stars.library.ucf.edu/honorstheses/176>.
- Sagar, M. E. (2021). Emotion Regulation Skills and Self-Control as Predictors of Resilience in Teachers Candidates. *International Education Studies*, 14(6), 103-111.
- Schmeichel, B.J., & Baumeister, R.F. (2010). *Self-regulatory strength*. In R. F. Baumeister & K. D. Vohs (Eds.), *Handbook of self-regulation: Research, theory, and applications* (PP. 84- 98). New York: Guilford Press.
- Sivakumar, R. (2019). Teachers attitude towards teaching profession in relation to their self-concept. *Journal of Contemporary Educational Research and Innovations*, 8(3), 283-288.
- Tack, H., & Vanderlinde, R. (2019). Capturing the Relations between Teacher Educators' Opportunities for Professional Growth, Work Pressure, Work Related Basic Needs Satisfaction, and Teacher Educators' Researcherly Disposition. *European Journal of Teacher Education*, 42(4), 459-477.
- Tangney, J.P., Baumeister, R.F. & Boone, A.L. (2004). High self-control predicts good adjustment, less pathology, better grades, and interpersonal success". *Journal of Personality*, 72, 271-322.
- Tyler, C.P., Geldhof, G. J., Settersten, R. A. Jr., & Flay, B. R. (2021). How Do Discrimination and Self-Esteem Control Beliefs Affect Prosociality? An Examination among Black and Latinx Youth. *Journal of Early Adolescence*, 41(2), 282-308.
- Valikhani, A., & Goodarzi, M. A. (2017). *Contingencies of self-worth and psychological distress in Iranian patients seeking cosmetic surgery*: Integrative self-knowledge as mediator.
- Vohs, K. D., Finkenauer, C., and Baumeister, R. F. (2011) The sum of friends' and lovers' self-control scores predicts relationship quality. *Soc. Psychol. Pers. Sci.* 2, 138-145.
- Wikstrom, P., & Treiber, K. (2007). The Role of Self Control in Crime Causation. *European Journal of Criminology*, 4, 237-264.

- Zhen, R., Liu, R. D., Ding, Y., Wang, J., Liu, Y., & Xu, L. (2017). The mediating roles of academic self-efficacy and academic emotions in the relation between basic psychological needs satisfaction and learning engagement among Chinese adolescent students. *Learning and Individual Differences*, 54, 210-216.

